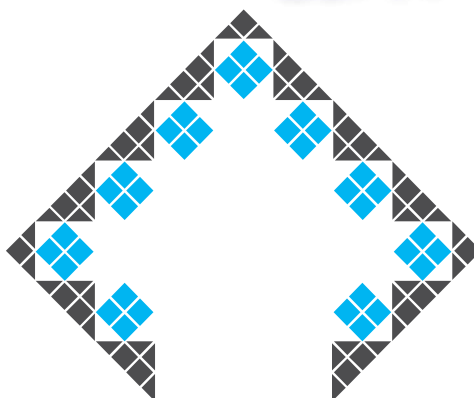


تحلیل جایگاه نهاد مشاوره در رویه قضایی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان و اهمیت نظریه‌های مشورتی در تصمیم‌گیری قضات دادگاه



حمید پورعیسی، مدرس دانشگاه و مشاور دادگاه اطفال و نوجوانان در حوزه قضایی تهران
احمد جعفری، قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان حوزه قضایی تهران

چکیده

دادگاه‌های اطفال و نوجوانان با رویکردی درمانی-اصلاحی و با هدف اساسی برطرف کردن مشکلات زیربنایی کودکان و نوجوانان بزهکار در نظام حقوقی اغلب کشورها شکل گرفتند. این دادگاه‌ها بر اساس «مشارکت‌پذیری در فرآیند تصمیم‌گیری»، «تلفیق خدمات درمانی و اصلاحی با روند دادرسی»، «اصلاح، درمان و بازپروری»، «ارائه خدمات حمایتی در فرآیند اصلاح و درمان» از سایر دادگاه‌ها متمایز شده‌اند. در نظام عدالت کیفری ایران نیز اولین بار در قانون تشکیل محاکم اطفال و نوجوانان بزهکار مصوب ۱۳۳۸، زمینه استقرار یک مرجع قضایی مستقل واجد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام اطفال و نوجوانان بزهکار فراهم آمد و به موجب آن، نهاد مشاوره در امر رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان پیش‌بینی شد، اما بنا به دلایلی که به تفصیل خواهد آمد، متأسفانه کمتر از دو دهه اجرا گردید. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید در سال ۱۳۹۲، مجدداً بهره‌مندی از نهاد مشاوره در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان، به طور منسجم‌تر و هدفمندتر از قبل وارد رویه قضایی ایران شد تا مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان با نگاه تخصصی خود به آسیب‌شناسی ریشه‌های بزهکاری کودکان و نوجوانان بپردازند و با ارائه نظریه مشورتی به قضات دادگاه شرایط را برای صدور رأی متناسب با وضعیت اجتماعی کودک یا نوجوان فراهم سازند؛ بنابراین در کنار علم و یقین قضات دادگاه، بهره‌مندی از نظریه‌های مشورتی، منجر به صدور آرای متقن خواهد شد و تحقق عملی آن در گرو هماهنگی و تعامل بیشتر قضات دادگاه با مشاوران می‌باشد. در این مقاله با اتکا به مبانی نظری و ادبیات موجود در این زمینه، متناسب با شرایط حاکم بر دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به تبیین این موضوع مهم می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: آیین دادرسی، مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان، سیاست جنایی مشارکتی، نظریه مشورتی



درآمد

سیاست جنایی مقابله با بزهکاری کودکان و نوجوانان، از سیاست جنایی مقابله با بزهکاری بزرگسالان متمایز است و ریشه این تمایز را می‌توان با توجه به شرایط و روحیات خاص آنها، نخست در تفاوت اقتضائات دوران کودکی و نوجوانی به عنوان دوران شکل‌گیری شخصیت انسان با بزرگسالان و سپس تفاوت در بزهکاری آنان و در نهایت مختلف بودن پاسخ‌های برگزیده شده نظام عدالت کیفری جستجو کرد؛ چراکه ضرورت وصول به هدف‌های متعالی تعلیم و تربیت و نوسازی شخصیت، منش و پیشگیری از تکرار جرم، تأمین امنیت قضایی و جبران خسارت ایجاد می‌کند که نظام قضایی کشورها در تأمین اهداف مزبور موضوع ارتکاب جرم را پیگیری و واکنش جزایی مبتنی بر اصول علمی را اتخاذ نمایند. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ یکی از نوآوری‌ها و رویکردهای اصلاحی در این قانون، توجه به تحقق آموزه‌های سیاست جنایی مشارکتی و اصول مشاوره در محاکمه، مجازات و اصلاح طفل خطاکار است. در ماده ۲۹۸ این قانون مقرر شده است که محاکم اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود تا کم‌ترین آسیب روحی و روانی به این گروه وارد شود و همچنین در تبصره دو ماده ۳۱۵ همین قانون اذعان شده است که این حضور الزامی است. بر این اساس قانون‌گذار ایران، بر لزوم رسیدگی ویژه بر جرایم اطفال و نوجوانان همراه با حضور نهادهای مردمی به عنوان مشاور در محاکم اطفال و نوجوانان قانون تأکید نموده، نگاهی ارفاقی در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان داشته است؛ بنابراین حضور مشاور در محاکم اطفال و نوجوانان جلوه‌ای از تحقق سیاست جنایی مشارکتی

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید است که می‌تواند نقش مهمی در کاهش جرایم ویژه گروه سنی اطفال و نوجوانان داشته باشد و نشان می‌دهد شناسایی و رسیدگی به‌موقع به آسیب‌های دوران کودکی، می‌تواند نویدبخش کاهش معضلات اجتماعی در سال‌های آتی باشد. نظریه‌های مشورتی مشاوران در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به قضات دادگاه کمک خواهد کرد که در هنگام اتخاذ تصمیم نهایی، دلایل روان‌شناختی و زمینه‌ها یا شرایط پیشگیری از بازگشت مجدد رفتار مجرمانه را در نظر بگیرند. بی‌شک رفتار مجرمانه عوامل پیچیده‌ای دارد و صرف اعمال قوانین قضایی برای پیشگیری از تکرار جرم و اصلاح فرد بزهکار کافی نیست و به همین دلیل قانون‌گذار محترم وجود یک مشاور را در دادگاه اطفال و نوجوانان ضروری تشخیص داده و وجود آن را الزامی قلمداد کرده است.

۱- پیشینه تشکیل محاکم اطفال و نوجوانان در نظام عدالت کیفری ایران

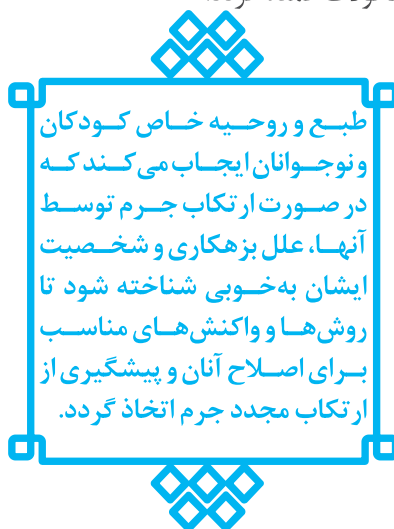
در حقوق ایران پیش از قانون تشکیل محاکم اطفال و نوجوانان بزهکار مصوب ۱۳۳۸، مرجع قضایی مستقل واجد صلاحیت برای رسیدگی به اتهام کودکان و نوجوانان پیش‌بینی نشده بود (مؤذن زادگان، ۱۳۸۳: ۱۴۳) و برای اولین بار در این قانون بود که زمینه استقرار یک دادرسی برای کودکان و نوجوانان بزهکار فراهم آمد. در این قانون علاوه بر ایجاد نهادهای خاص در امر رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان و نیز اصلاح و تربیت آنان، آیین دادرسی ویژه‌ای نیز پیش‌بینی شده بود. از جمله نهادهای خاص در این قانون نهاد مشاوره در محاکم اطفال و نوجوانان بود که نظر مشورتی خود را در جهت صدور حکم به قاضی دادگاه مربوطه ارائه می‌کردند تا حکمی صادر کند که

مصلحت طفل و پیشگیری از بزهکاری مجدد او را به دنبال داشته باشد (آشوری، ۱۳۷۸؛ عباچی، ۱۳۷۹). در ماده ۳ این قانون چنین مقرر شده بود که چنانچه اتهام وارد شده به کودک یا نوجوان از درجه جنایت باشد، دادگاه باید از یک قاضی و دو نفر مشاور تشکیل شود که این مشاوران از بین کارمندان قضایی بازنشسته یا فرهنگی (استاد، مدیر، دبیر، آموزگار) یا اداری یا معتمدین محل که در این قبیل امور علاقه و بصیرت داشته باشند، انتخاب و در صورت موافقت رئیس دادگاه استان برای مدت دو سال به سمت مزبور تعیین می‌شدند. قانون مربوط به تشکیل محاکم اطفال و نوجوانان بزهکار مشتمل بر ۳۳ ماده با الهام از اندیشه‌های مترقی در زمان خود و متأثر از یافته‌های نوین علوم جزایی و جرم‌شناسی، به عنوان اولین قانون جامع در حقوق کیفری شکلی اطفال و نوجوانان به تصویب رسید، لیکن با توجه به مقررات ماده ۳ این قانون که اجرای آن را موکول به تصویب آیین‌نامه‌های مربوط نموده بود، عملاً پس از تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح و تربیت مصوب ۱۳۴۷/۷/۹ به اجرا گذاشته شد.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، با تصویب قانون اصلاح برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ و تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲، بر حسب رأی وحدت رویه قضایی شماره ۶-۶۴/۲/۲۳ توجهی به مقوله محاکم ویژه اطفال و نوجوانان نشد و این دادگاه از نظام قضایی کشور حذف شد تا اینکه دوباره با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ بار دیگر به لزوم دادرسی متفاوت در مورد اطفال توجه شد و شعبی از دادگاه‌های عمومی به عنوان شعب تخصصی، مسئولیت رسیدگی جرایم اطفال و نوجوانان زیر ۱۸

سال را عهده‌دار شده، شرایط مساعدی را برای محاکمه اطفال در نظر گرفتند. در این مرحله از تقنین، با توجه به تصویب قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، به صورت کم‌رنگ به ضرورت تشکیل دادگاه اطفال یا اختصاص شعبه‌ای برای اطفال تصریح شده است. ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ از تخصیص شعبه یا شعبی برای رسیدگی به جرایم اطفال نام برده است. با توجه به ضرورت تصویب قانونی جامع در خصوص شیوه رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان و در راستای هماهنگی با تعهدات بین‌المللی ناشی از الحاق به کنوانسیون حقوق کودک، در رعایت قانون اجازه الحاق دولت ایران به کنوانسیون حقوق کودک در سال ۱۳۷۲، قوه قضاییه در اجرای بند دوم از اصل یکصد و پنجاه و هشتم قانون اساسی، لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را تهیه نمود. در این لایحه، بر لزوم رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان و همچنین حضور مشاور بنا بر ماده ۵ این لایحه در محاکم اطفال و نوجوانان تأکید شد. با تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز قانون‌گذار در کنار دادگاه‌های کیفری، انقلاب و نظامی که دادگاه‌های تخصصی جزایی هستند، تشکیل دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز به عنوان دادگاه اختصاصی در نظر گرفته و در مواد مختلف به تفصیل شرایط تعقیب و محاکمه اطفال پرداخته است. تصویب این قانون را می‌توان نقطه عطفی برای شروع تحولات در نظام قضایی و حقوقی کشورمان محسوب نمود. مهم‌ترین تغییر قانون در این زمینه باعث شد تا مشاور به عنوان یک کارشناس خبره به اظهارنظر بپردازد و با شروعی مجدد در حوزه مفهوم شناسی حقوق کودکان و نوجوانان، شیوه

دادرسی و سزادهی دستخوش تغییرات و تحولات عمده گردد.



۲- تحلیلی از جایگاه نهاد مشاوره در رویه قضایی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان

به منظور تأمین هدف مقدس حمایت از منافع و مصالح عالیه کودکان و نوجوانان معارض با قانون، با توجه به دستاوردهای علوم جنایی و جرم‌شناسی و توصیه اسناد بین‌المللی در نظام‌های دادرسی کیفری غالب کشورها، دادگاه اطفال با صلاحیت اختصاصی رسیدگی به اتهامات اطفال و نوجوانان تشکیل شده است (آشوری، ۱۳۷۸: ۶۷). در این دادگاه با توجه به شرایط خاص کودکان و نوجوانان و ضرورت اصلاح رفتارهای مجرمانه آنها، در قوانین خاص مربوطه، قانون‌گذار بر حضور نهادهای غیر قضایی در این دادگاه‌ها تأکید داشته است و یکی از این نهادها، نهاد مشاور در محاکم اطفال و نوجوانان است. طبع و روحیه خاص کودکان و نوجوانان ایجاب می‌کند که در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، علل بزهکاری و شخصیت ایشان به‌خوبی شناخته شود تا روش‌ها و واکنش‌های مناسب برای اصلاح آنان و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ گردد. برخورد خشن با این دسته از

بزهکاران و عدم توجه به تفاوت انگیزه‌ها و شخصیت آنان با بزرگسالان، ممکن است تأثیری نامطلوب یا حتی معکوس بر روند اصلاح و باز اجتماعی شدن آنان بگذارد و از کودکی که با انگیزه‌ای نامشخص مرتکب خطایی شده است، مجرمی خطرناک بسازد؛ لذا نقش حضور مشاور در محاکم اطفال و نوجوانان کاملاً احساس می‌شود و عاملی که نهاد مشاوره و دادرسی اطفال و نوجوانان بزهکار را با هم مرتبط می‌سازد، مربوط به نقشی است که مشاور در شناسایی و تحلیل بزهکاری کودک یا نوجوان، شناخت شخصیت وی و پیشنهاد پاسخ‌های متناسب برای اصلاح و بازپروری وی ایفا می‌کند.

رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان حسب مورد در دادگاه اطفال و نوجوانان یا دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان به عمل می‌آید. دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم نوجوانان دارای یک رئیس و دو مستشار است که با حضور دو عضو نیز رسمیت می‌یابد و با حضور یک مشاور شروع به رسیدگی می‌کند. دادگاه اطفال و نوجوانان نیز با حضور یک قاضی و یک مشاور تشکیل می‌شود. حضور مشاور در هنگام رسیدگی، در هر دو دادگاه الزامی است و نظر مشاور، مشورتی است (ماده ۲۹۸ و تبصره ۲ ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری) و در صورت مؤنث بودن متهم، مشاور باید زن باشد (تبصره ۲ ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری). البته باید توجه داشت؛ نظامیان کمتر از هجده سال تمام شمرده می‌شوند و در صورتی که مرتکب جرایم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی شوند، به جرم آنها با رعایت مقررات رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود (مواد ۵۹۹ و ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری).



طبق ماده ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب و با ابلاغ رئیس کل دادگستری استان برای مدت دو سال به این سمت غیر قضایی منصوب می‌شوند. لذا در یک دستگاه قضایی اسلامی اقتضا دارد با الهام از احکام اسلام و احادیث امامان معصوم (ع)، از جمله حدیث «العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر»، بر ضرورت ارائه خدمات روانشناسی و مشاوره‌ای به کودکان و نوجوانان تأکید شود. بهره‌مندی از نظریات مشاور در محاکم اطفال از جمله موازین قانونی است؛ بنابراین با ساماندهی امر مشاوره در محاکم اطفال و نوجوانان، قضات دادگاه یک روبه واحد خواهند داشت و در واقع ارتباط قاضی با مشاور دادگاه اطفال و مددکاران نظام‌مند می‌شود. ارتقای کیفیت رسیدگی‌ها در محاکم اطفال با بهره‌مندی از مشاوران واجد جنبه‌های مثبت بین‌المللی برای کشور نیز خواهد بود و قضات محترم دادگاه بایستی به مشاور به چشم یک عنصر هدایتگر و راهنما نگاه کنند و حرکت به سمت و سوی بهره‌مندی از نظر مشورتی در کنار علم و یقین قاضی، موجب اتقان هر چه بیشتر آرا می‌شود و قاضی را در اتخاذ تصمیم بهتر یاری می‌رساند.

۳- فواید و محاسن بهره‌مندی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان از نظریه‌های مشورتی

برخی کودکان و نوجوانان به دلایل متعددی از مسیر عادی رشد خود منحرف شده و مبتلا به انواع مشکلات جسمی، روانی، روحی و یا انحرافات رفتاری می‌گردند و یکی از مهم‌ترین این انحرافات، گرایش به رفتار ضداجتماعی و قانون‌شکنانه است. رفتار

بزهکارانه و قانون‌شکنانه عوامل متعددی دارد و راه‌های گوناگونی برای پیشگیری و درمان آن وجود دارد. در تمام اجتماعات بشری، نظام‌های حقوقی و درمانی مناسبی برای کودکان و نوجوانان ایجاد شده است. در برخی از کشورهای دنیا برای کمک به کودکان و نوجوانان بزهکار، در کنار دستگاه قضایی نظام مشاوره‌ای نیز طراحی شده است؛ زیرا کودکان و نوجوانان ارجاع شده به دادگاه اطفال دارای شرایطی هستند که علاوه بر اعمال قوانین قضایی، نیازمند خدمات دیگری جهت اصلاح رفتار خود می‌باشند. بی‌شک صرف برخورد قضایی و اعمال برخی مجازات‌ها نمی‌تواند در پیشگیری و کنترل رفتار مجرمانه مؤثر باشد. از جمله فواید و محاسن بهره‌مندی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان از نظریات مشاوران، این است که اعمال قوانین جزایی درباره اطفال و نوجوانان بزهکار به خودی خود، بازدارنده و درمان‌کننده اختلالات رفتاری آنان نیست و با توجه به اینکه عوامل متعددی در پیدایش و رشد رفتار بزهکارانه توسط کودکان و نوجوانان مؤثر است؛ بنابراین در مسیر اصلاح و بازپروری نیازمند خدمات روان‌شناختی و مشاوره هستند و در صورت عدم دریافت این خدمات، رفتار مجرمانه آنان حتی با اعمال مجازات، دوباره تکرار خواهد شد؛ بنابراین حضور مشاوران در دادگاه اطفال و نوجوانان در قانون آیین دادرسی کیفری جدید جلوه‌ای از تحقق سیاست جنایی مشارکتی است و این پیش‌بینی قانونی نشان از اهتمام قانون‌گذار به وجه عقلایی تقنینی است که می‌تواند نقش مهمی در کاهش جرایم ویژه گروه سنی کودکان و نوجوانان داشته باشد.

از دیگر فواید و محاسن بهره‌مندی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان از نظریات مشاوران، افتراقی بودن نظام دادرسی ویژه

اطفال و نوجوانان است. افتراقی بودن نظام دادرسی کودکان و نوجوانان به مفهوم رعایت اقتضائات خاص دوران کودکی و نوجوانی و تناسب تدابیر و اقدامات با این دوران است. وجوه این افتراق را می‌توان در دادسرا و دادگاه اختصاصی، قضات آموزش دیده و مجرب، تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، ترمیمی نمودن دادرسی کودکان و نوجوانان، اقدامات تأمینی به عنوان آخرین راه چاره، برخورداری از معاضدت‌های قضایی، رعایت سرعت در دادرسی و حفظ حریم خصوصی کودک و نوجوان و پیش‌بینی نهاد مشاوره، جستجو کرد. قطع به یقین می‌توان گفت، تحقق نظام دادرسی افتراقی متناسب با شرایط هر جامعه گامی بلند در جهت تأمین مصالح عالی کودکان و نوجوانان محسوب می‌شود. متفاوت بودن دادرسی کودکان و نوجوانان در راستای تأمین مصالح عالی کودک و نوجوان است. مصالح عالی کودکان از اهم ملاحظات می‌باشد. سازوکارهای دقیق دادرسی ویژه کودکان و نوجوانان و تضمین رعایت آنها در نهایت باید کودک و نوجوانان بزهکار را به باز اجتماعی شدن و بازگشت به اجتماع و ایفای نقش مؤثر و سازنده در آینده رهنمون گردد. در قانون آیین دادرسی کیفری مصوبات و موادی وجود دارد که دست قاضی و سایر متصدیان قضایی را برای استفاده از مشاوره برای اصلاح رفتار کودکان و اطفال باز گذاشته است. به همین دلیل بر اساس تبصره دو ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، وجود مشاور در دادگاه اطفال ضروری تشخیص داده شده و حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر در این قانون، برای رسیدگی به جرایم نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است. ارائه خدمات مشاوره‌ای در دادگاه در راستای اهداف کلی قوه قضاییه

جمهوری اسلامی مبنی بر پیشگیری از جرم و تکرار جرم است.

فوائد و محاسن دیگر برای بهره‌مندی دادگاه‌های اطفال و نوجوانان از نظریات مشاوران، تأمین مصالح عالی کودکان و نوجوانان است. برخورداری کودکان و نوجوانان از شرایط حساس دوران رشد و تکامل جسمی و روحی و ضرورت برخوردی متفاوت با آنها در صورت ارتکاب رفتارهای مخالف اوامر و یا نواهی قانون‌گذار، از یک طرف و آثار مخرب و جبران‌ناپذیر ورود این اشخاص به دادرسی کیفری بزرگسالان،

برآمد

ماده ۳۱ همین قانون از جمله این توجهات است. تشکیل دادرسی اطفال و نوجوانان و دادگاه اطفال با حضور یک مشاور از دیگر موارد توجه به حقوق کودکان و نوجوانان است. همچنین تشکیل پرونده شخصیت که در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده، به خاطر آن است که علل جرم از سوی مددکار اجتماعی به‌خوبی مورد بررسی قرار گیرد و در مجموع، قانون‌گذار نهادها و تأسیسات مناسبی را به منظور حفظ و صیانت از حقوق کودک و نوجوان در نظر گرفته است.

بر اساس قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب دهم آذرماه سال ۱۳۳۸ بهره‌مندی قضات دادگاه اطفال از نظریات مشورتی مشاوران الزامی بود، با توجه به اینکه این مشاوران بدون در نظر گرفتن تخصص آنها انتخاب می‌شدند؛ به نظر می‌رسد نگاه قانون‌گذار به مشاوران یک نگاه صنفی بود و بیشتر به هیئت منصفه شبیه بود تا مشاوره به معنای خاص آن. قانون‌گذار جمهوری اسلامی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر نمود که مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان‌شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند؛ بنابراین قانون‌گذار محترم با مصلحت‌اندیشی در راستای صیانت از مصالح عالی کودکان و نوجوانان، بهره‌مندی از تخصص مشاوران را در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان مورد تأکید قرار داده است. حال چنانچه قرار است در یک دادرسی قانون‌مدار، به مواردی که در مواد ۲۹۸، ۳۱۵ و ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر شده است عمل کنیم، لازم است دادگاه‌های اطفال و نوجوانان به موازات بهره‌گیری از رویکردهای مشارکتی در رسیدگی قضایی و با برطرف نمودن نقایص مزبور، امکان اصلاح یا درمان تخصصی بزهکاران و حل مشکلات شخصی یا اجتماعی آنان را فراهم نمایند. در ظاهر امر به دلیل لزوم فعالیت مشارکتی و بهره‌گیری از نظر متخصصان مختلف، شاید طول زمان دادرسی و میزان مشغله دادگاه در برخی پرونده‌ها بیشتر شود، لیکن با مدنظر قرار دادن میزان هزینه‌هایی که مسائل زیربنایی اطفال و نوجوانان بزهکار در طول زمان ایجاد خواهد کرد، لذا عقیده بر این است که توسل به رویکرد مشارکتی در رسیدگی قضایی و دادرسی درمان‌مدار مشکل مطروحه را به طور کلی از بین خواهد برد و موجب بهبود وضع کلی جامعه می‌شود.

فهرست منابع

- ۱- اکبری، لیلا، بررسی شیوه‌های پیشگیری از بزهکاری از اسناد بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
- ۲- احمدی موسوی، سید مهدی، جایگاه نهاد آموزش در پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال ۸، شماره ۲۷، ۱۳۹۲
- ۳- بذرافشان، شهرزاد، بزهکاری کودکان، مجله حمایت از کودک، شماره ۳۳، ۱۳۸۷
- ۴- حق پناهان، عباس، جرم‌شناسی بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۳
- ۵- خواجه‌نوری، یاسمن، سیاست جنایی قضایی ایران در قبال کودکان بزهکار: جلوه‌ها، چالش‌ها، آثار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال دوم، شماره چهارم، ۱۳۸۶
- ۶- ستوده، هدایت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، آوای نور، ۱۳۸۹
- ۷- شامبیانی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۹۵
- ۸- قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ مجلس شورای ملی
- ۹- قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ مجلس شورای اسلامی
- ۱۰- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی
- ۱۱- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی
- ۱۲- مهرا، نسرین، قوانین و مقررات کیفری ایران در قبال اطفال و نوجوانان بزهکار، حال و آینده، مجله تخصصی الهیات و حقوق، شماره ۲۰، ۱۳۸۵
- ۱۳- معظمی، شهلا، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۹۱
- ۱۴- مؤذن زادگان، حسنعلی، سیر تحول قوانین کیفری حمایتی حقوق کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۲-۶۳، ۱۳۸۷
- ۱۵- مردادی، خدیجه، تحلیل وضعیت قضایی کودکان از منظر حقوق ایران و کنوانسیون حقوق کودک و تأثیر آن بر نظم و امنیت جامعه، دانش انتظامی کرمانشاه، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۹۴
- ۱۶- نوبی نژاد، ش، مشاوره چیست مشاور کیست؟، فصلنامه علمی تخصصی روانشناسی و اطلاع‌رسانی، شماره اول، ۱۳۸۶
- ۱۷- نیازپور، امیرحسن، پاسخ‌های عدالت کیفری ایران به بزهکاری اطفال، مجله مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۴، ۱۳۸۹